



## والفجر مقدماتی؛ نبرد با موانع بی‌پایان

### روایت حمزه بهشتی در یادمان فکه

نوراله جعفری\*

<p>در روایت پیش رو جناب آقای حمزه بهشتی از روایان استقراری دفاع مقدس و از رزمندگان لشکر ۷ ولی عصر (عج) روایتی نسبتاً خوب را برای مخاطبانش بیان می‌کند. دو ویژگی بارز این روایت، یکی بیان کلیاتی از جنگ و عملیات والفجر مقدماتی و دیگری لحن ساده و دلنشین راوی است. ایشان در جمع عده‌ای از مردم عرب‌زبان اهواز که اصالتاً هم متعلق به جغرافیای خوزستان‌اند و با منطقه فکه و شرایط آن آشنایی دارند، روایت خود را بیان کرده است. این کاروان که از حدود ۷۰ نفر مرد تشکیل شده بود، در ساعت ۱۱:۳۰ قبل از ظهر در یادمان فکه شنوای این روایت بوده‌اند. حاصل این روایت هم‌اکنون پیش روی شما مخاطب گرامی قرار دارد. پس از مقدمه‌ای کوتاه، اصل روایت گزارش می‌شود و در بخش پایانی، جمع‌بندی روایت به‌همراه پاره‌ای از نقاط قوت و ضعف آن آورده و همچنین نکاتی از باب نقد و با هدف هرچه کامل‌تر شدن این سنخ روایت‌ها به‌منظور استفاده روایان مخلص و پرتلاش دفاع مقدس و نیز بهره‌گیری علاقه‌مندان به این حوزه پژوهشی، یادآوری و پیشنهاد می‌شود. واژگان کلیدی: روایت فکه، یادمان فکه، عملیات والفجر مقدماتی، حمزه بهشتی، راهیان نور.</p>	<p style="text-align: center;"><b>چکیده</b></p>
---	---

#### مقدمه

یک عبارت کلی بازتعریفی گیرا و بی‌پیرایه از همان

مظلومیت و استقامت در این سرزمین سراسر مسلح است.

#### متن روایت

«با عرض سلام خدمت زائران منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی. در بین ما ایرانی‌ها مرسوم است وقتی مهمانی وارد خانه‌ای می‌شود، صاحب‌خانه همان ابتدا

سرزمینی پر از مظلومیت و رشادت در چنبره سختی و بلا؛ این توصیف را شاید بتوان فصل مشترک بیشتر روایت‌هایی دانست که در منطقه فکه درباره شهدای این نقطه و مظلومیت آنها و نیز سختی‌های عملیات والفجر مقدماتی از ذهن روایان می‌گذرد و بر زبانشان جاری می‌شود. روایت پیش رو نیز که از زبان یکی از روایان مستقر در این نقطه بازگو شده است، در

\* کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

مسئولان جنگ در آن مقطع اجازه عملیات نمی‌دادند و نمی‌گذاشتند نیروهای مردمی به‌طور کارساز وارد میدان شوند.

### اهمیت منطقه فکه

از پنج کیلومتری شهر شوش - همان یادمان فتح‌المبین - که دشمن تا آن محدوده آمده بود، عملیات فتح‌المبین آغاز شد و تا نزدیکی‌های دشت فکه پیشروی آن ادامه داشت. خب، این عظمت و این توان رزمی را دشمن در وجود رزمندگان اسلام مشاهده کرد و ترس سراسر وجود او را فراگرفت. بنابراین به این فکر افتاد که اگر ایرانی‌ها عملیات دیگری در این سرزمین انجام دهند، نه‌تنها به مرز می‌رسند، بلکه ممکن است از مرز هم عبور کنند. به همین دلیل، دشمن بزرگ‌ترین عملیات مهندسی خودش را در سرزمین فکه به اجرا درآورد و با ایجاد موانع بسیار زیاد در سطح منطقه و ایجاد میادین وسیع مین، سرزمین فکه را به‌گونه‌ای مسلح کرد که یا امکان عملیات در آن نباشد، یا اگر عملیاتی صورت گرفت، با کندی و ناکامی مواجه شود.

حتی الآن هم با گذشت سه دهه وقتی شما نگاه می‌کنید، بعضی از موانع را می‌بینید. سیم‌خاردهای خطی، سیم‌خاردهای حلقوی و چندین نمونه دیگر که الآن یک نمونه‌اش دور این مقتل است، نه یک ردیف، دو ردیف، در بعضی جاها ده، دوازده ردیف، و نه یک طبقه، دو طبقه، بلکه چندین و چند طبقه روی هم ایجاد کرده بود. برای اینکه نیروها واقعاً نتوانند به‌هیچ‌وجه از این مسیر عبور کنند. شبکه‌های انفجاری متعددی در سر راه بچه‌ها ما را کار گذاشته

خطاب به او می‌گوید: قدم‌های شما بر چشمان ما. ما هم این را مسامحتاً به شما بگوییم و تعارفی بیش نیست. فی‌الواقع صاحب‌خانه در اینجا شهدای عزیز ما هستند؛ شهدای وارسته ما که به همه ما می‌فرمایند: قدم‌هایتان بر چشمان ما. این یک واقعیت است. امروز توفیق پیدا کرده‌ایم و به مقتل ۱۲۰ شهید عملیات والفجر مقدماتی آمده‌ایم.

### نخستین سال جنگ؛ مشکلات و تحولات

اینجا یکی از نقاطی است که دشمن بعثی در ابتدای جنگ حملات سریع خود را از این قسمت آغاز کرد و مدت‌ها ادامه داد. این حملات در حالی شروع شد که دشمن تصور می‌کرد مردم ما علی‌الخصوص مردم غیور خوزستان، نمی‌توانند درمقابل دشمن ایستادگی کنند و با آنها همراه می‌شوند و ظرف یک هفته خوزستان تصرف خواهد شد. با این نیت، ارتش عراق حملات خود را آغاز کرد و تا ۵ کیلومتری شهر شوش که طبیعتاً عزیزان آشنایی دارند، پیش آمد. به‌گونه‌ای که شهر شوش، اندیمشک و دزفول در تیررس مستقیم دشمن قرار گرفت. در آن برهه، در موقعیتی به سر می‌بردیم که اختیارات جنگ در دست بنی‌صدر خائن بود. حدود یک سال جبهه‌های ما حالت رکود پیدا کرده بود. مرحله اول جنگ صورت گرفته و پیشروی‌ها انجام شده بود و دشمن نقاطی از خاک جمهوری اسلامی را در جنوب و غرب تصرف کرده بود. مرحله دوم هم که متوقف‌کردن دشمن بود به انجام رسیده بود، اما مرحله بعدی برای بیرون‌راندن دشمن از خاک ایران هنوز انجام نگرفته بود. طرح‌های عملیاتی پیشنهاد می‌شد، اما



روایت حمزه بهشتی، یادمان شهدای عملیات والفجرمقدماتی (فکه)، اسفندماه ۱۳۹۵.

کیلومتر، ۱۵ کیلومتر و ۱۲ کیلومتر در این رمل‌ها راه رفته‌اند؛ آن هم در شب. در شب راه رفتن بسیار مشکل‌تر است تا در روز؛ آن هم با پوتین و وسایل همراه که سنگین است. از این‌رو، بعضی‌ها پوتین‌ها را از پایشان درآورده بودند تا راحت‌تر راه بروند.

این فکه آب‌وهوای کاملاً متضادی در شب و روز دارد. در بعضی روزها چنان گرم و سوزان است که کف پای انسان با مقداری پیاده‌روی تاول می‌زند و در شب هم آن قدر این رمل‌ها سرد است که سرمای آن به تمام بدن سرایت می‌کند. در آن شب‌های عملیات بچه‌ها با این وضعیت در هر قدمی که برمی‌داشتند نه از زمین امنیتی برایشان بود و نه از هوا. هر قدمی که برمی‌داشتند، چه بسا مینی منفجر می‌شد و تلفاتی از ما می‌گرفت. از مقابل هم همین جور گلوله بر سر بچه‌ها می‌بارید. همه شما دست‌خالی آمدید، ولی احساس خستگی کردید. هر کدام از بچه‌های رزمنده

بودند. در کنار این آلوده کردن زمین به مین‌های مختلف و ایجاد موانع بسیار، وضعیت آب‌وهوایی منطقه هم چندان مناسب عملیات نبود و با این اوصاف همه‌چیز به نفع دشمن رقم خورده بود.

### شرایط نامناسب فکه برای عملیات

شما الان که آمدید، ابتدا رسیدید به محل پارکینگ؛ از پارکینگ حرکت کردید تا آمدید در این مقتل و به راحتی تفاوت راه رفتن در آسفالت را با زمین رملی متوجه شدید. بعضی‌ها وقتی به اینجا می‌رسند می‌گویند خسته شدیم، بنشینیم و خستگی در کنیم. شما در موقعیتی این مسیر را طی کردید که امنیت کامل برقرار است. حین عملیات بچه‌های ما برای اینکه بتوانند در مسیر محدوده و محوری که بر عهده داشتند، حرکت کنند و به نقطه هدف برسند و با دشمن درگیر شوند، در بعضی از محورها ۱۸

مدتی پس از این عملیات و در سمت چپ ما در همین منطقه انجام شد، والفجر ۱ نام گرفت. عملیات با رمز "یاالله، یاالله، یاالله" آغاز شد. وقتی نگاه می‌کنید، رمزهای عملیات‌های ما یکی از عوامل اصلی روحیه‌بخشی به رزمندگان اسلام بود. در همه عملیات‌های ما این کلمات مقدس و مشابه آنها با کمک‌گرفتن از حوادث تاریخ اسلام و اسامی امامان شیعی برای رمز استفاده می‌شد. این شروع، خود عامل قوت‌گرفتن و حرکت رزمندگان بود. یگان‌ها عملیات را آغاز کردند. بعضی از یگان‌ها توانستند تا پنج کیلومتری العماره پیش بروند، اما برخی دیگر به دلیل مواجهه محورشان با موانع بسیار زیاد و میداین بسیار گسترده مین، با مشکل روبه‌رو شدند و نتوانستند پیشروی لازم را داشته باشند. به‌ناچار، یگان‌هایی که پیشروی کرده بودند نیز به جای قبلی خود برگشتند.

### کمیل و حنظله؛ دو گردان سلحشور

از این محور عملیاتی که لشکر ۲۷ در آن حضور داشت، دو گردان عمل‌کننده مهم عبور کردند؛ گردان کمیل و گردان حنظله. آنها در این منطقه با دشمن درگیر شدند و تا این خط آسفالت که آمدید به سمت این یادمان، پیش رفتند. درگیری در این منطقه به اوج خود رسیده بود. بر اثر درگیری در این منطقه، شهدای عزیزی دادیم و تعداد زیادی نیز مجروح شدند. چون تردد در منطقه امکان‌پذیر نبود و وضعیت زمین اجازه رفت‌وآمد خودرو را به ما نمی‌داد، به‌ناچار دنبال این بودند که محدوده و منطقه‌ای پیدا کنند که در دید دشمن نباشد و

در مسافتی که توی این رمل‌ها طی کردند، امکانات و تجهیزاتی به همراه داشتند که وزن بسیار سنگینی داشت و واقعاً خسته‌کننده بود. اما می‌بایست سلاح و تجهیزات نظامی همراهشان می‌بود، برانکار با خود حمل می‌کردند، نردبان برای بالارفتن از کانال‌ها حمل می‌کردند، دونفر دونفر صندوق‌های مهمات جابه‌جا می‌کردند. همه اینها برای درگیری با دشمن لازم بود و می‌بایست آنها را حمل می‌کردند. با چنین شرایط و وضعیت سختی در این منطقه عملیات انجام گرفت؛ چراکه تکلیف بود. حضرت امام جمله‌ای برای همه ما به یادگار گذاشت که اجازه ندهید دشمن در خانه شما باقی بماند. لذا در هر شرایطی لازم بود در این سرزمین عملیات اجرا شود.

### شرح عملیات

در عملیات والفجر مقدماتی محور عملیاتی ما کیلومترها امتداد داشت. یگان‌ها آمدند و در منطقه مستقر شدند. این محل که ما نشستیم و شهدای عزیز را یاد می‌کنیم، محور عملیاتی لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) از برادران تهران بود. بچه‌های این لشکر آمدند و مستقر شدند. چون عملیات در دهه فجر انجام گرفت، به اسم والفجر نام‌گذاری شد. ولی چون به نتایج موردنظر نرسید، عنوان عملیات از والفجر به والفجر مقدماتی تغییر یافت و عملیات بعدی که

دشمن بزرگ‌ترین عملیات مهندسی خودش را در سرزمین فکه به اجرا درآورد و با ایجاد موانع و ایجاد میداین وسیع مین، سرزمین فکه را به‌گونه‌ای مسلح کرد که یا امکان عملیات در آن نباشد، یا اگر عملیاتی صورت گرفت، با کندی و ناکامی مواجه شود.

و تا توان داریم دربرابرشان ایستادگی کنیم؛ چراکه رزق و روزی ما را امریکا نمی‌دهد. ما از آن دسته ملت‌های جهانییم که معتقدیم رزق و روزی ما در دست خداست. آنهایی که پای میز مذاکره می‌روند، باید بیایند و در این شیارها بنشینند و ایستادگی و مقاومت عزیزان ما را خوب متوجه بشوند.

گزینه‌های روی میز ما این شیارها و این دشتهایی است که خون‌های پاک بچه‌ها برای

دفاع از مرزبومشان و دفاع از اسلام به زمین ریخته شد. ما از آن دسته ملت‌هایی هستیم که با پیروی از ولایت و همراه رهبرمان تا آخرین قطره خونمان درمقابل دشمنان خواهیم ایستاد. الگوی ما این شهدا هستند که تا آخرین نفس در سخت‌ترین شرایط مقاومت کردند. درنهایت،

بعضی از یگان‌ها توانستند تا پنج کیلومتری العماره پیش بروند، اما برخی دیگر به دلیل مواجهه محورشان با موانع بسیار زیاد و میداین بسیار گسترده مین، با مشکل روبه‌رو شدند و نتوانستند پیشروی لازم را داشته باشند. به‌ناچار، یگان‌هایی که پیشروی کرده بودند نیز به جای قبلی خود برگشتند.

در این شیار محاصره تنگ‌تر شد و با نفوذ دشمن به داخل این شیار مابقی بچه‌های ما که هنوز زنده بودند و مجروحان با تیر خلاص به شهادت رسیدند. دیگر خبری از این شیار نیست. بعد از اینکه تیر خلاص به همه بچه‌ها می‌زنند و بعد از چند ساعت، متوجه می‌شوند که یکی از بچه‌ها در لابه‌لای این مجروحان زنده است. آقای جعفر ربیعی او را بلند می‌کند و به‌همراه خودشان به اسارت می‌برند.

بتوانند بچه‌های مجروح و شهیدان را به آن منتقل کنند و در فرصت مناسب آنها را به عقب ببرند.

اینجایی که الان نشسته‌ایم، شیاری بود که وسط آن از وضعیت فعلی هم گودتر بود. در آن بحبوحه، همه شهدا و مجروحان را به اینجا منتقل کردند و در قسمت پایین این شیار خواباندند تا بتوانند در فرصت مناسب به عقب ببرند. وقتی که بچه‌ها را منتقل کردند، دشمن هم کم‌کم متوجه حضور بچه‌ها در این شیار شد. پشت سر شما سنگرهای کمین دشمن بود که دشمن با تیراندازی از آنجا به سمت این شیار، تعدادی از بچه‌های مجروح ما را در اوج مظلومیت به شهادت رساند.

#### مقاومت؛ پیام اصلی شهدای قتلگاه فکه

کم‌کم محاصره تنگ‌تر شد. گاهی از بلندگوهای دشمن، بچه‌ها دعوت به تسلیم می‌شدند. اما باوجود سختی‌ها و مشکلاتی که بچه‌ها در این شیار متحمل شده بودند و چندین روز نه غذایی به آنها رسیده بود و نه آبی برای رفع تشنگی داشتند و درعین حال، هرکدام از ناحیه‌ای به‌شدت مجروح شده بودند و خون زیادی از بدن آنها رفته بود، هرگاه دشمن آنها را دعوت به اسارت می‌کرد، حاضر نمی‌شدند درمقابل دشمن سر خم کنند.

این ایستادگی و مقاومت بچه‌ها در این شیار و در دیگر نقاط، پیام مهمی از جانب شهدا برای همه ما ایرانی‌ها در طول تاریخ آینده‌مان دارد. این حرکت پیام مهمی برای ما و ملت ماست که درمقابل دشمنان و استکبار جهانی هیچ‌گاه سر خم نکنیم

## حسابرسی احوال شخصی و توجه به امر و نهی شرعی

این شهادت‌ها، این رشادت‌ها، برای همه ما پیام دارد؛ برای همه افراد این ملت در هر پست و مقامی درس است. من و شما باید از خودمان حسابرسی کنیم که در این جامعه چقدر توانسته‌ایم به تکلیفمان عمل کنیم؟ چقدر در میدان‌های نبرد اطرافمان موفق بوده‌ایم؟ چقدر توانسته‌ایم با اطاعت از ولایت و اجرای فرمایشات رهبرمان وظایفمان را در قبال اسلام و این مملکت انجام دهیم. اما وقتی هر کدام از ما شناسنامه‌مان را می‌گذاریم جلویمان، می‌بینیم که نه، نمره خوبی نمی‌توانیم به خودمان بدهیم. در تکالیف شرعی وقتی که نگاه می‌کنیم - البته شما استاد بنده‌اید - می‌بینیم که در جامعه ما و حتی بین خود ما احکام شرعی و واجبات شرعی مظلوم واقع شده‌اند. از جمله همین امر به معروف و نهی از منکر که به فراموشی سپرده شده است.

این موضوع دستوری واجب و تکلیف شرعی من و شماست. تکلیف ماست که با الگوگیری از شهدا همه دوران زندگی‌مان را با سیره آنها تطبیق بدهیم؛ با سیره شهدای عزیز. آیا رزمندگان دوران دفاع مقدس ما این قدر بی تفاوت بودند؟ بزرگ‌ترها یادشان است که وقتی خانم خبرنگار هندی بی حجاب وارد سالن اسرای عزیز ما می‌شود که با کوچک‌ترین فرد آن اردوگاه مصاحبه‌ای انجام بدهد و تبلیغات منفی در این باره داشته باشد، وقتی جلو آن رزمنده - آقامهدی طلحانیان - حاضر می‌شود تا با ایشان مصاحبه کند، این جوان سرش را به پایین می‌اندازد و به این خانم می‌گوید: ای زن، از فاطمه

به تو این گونه خطابست، ارزنده‌ترین زینت زن حفظ حجابست. علی‌رغم اینکه می‌داند بعد از این امر به معروف و شلاق‌ها باید بخورد و سختی‌ها باید بکشد، اما بازهم از امر به معروف آن هم در دل دشمن دست بر نمی‌دارد. آن خانم بی حجاب هم از سالن خارج می‌شود و پارچه‌ای بر سر می‌اندازد و دوباره وارد سالن می‌شود و وظیفه‌اش را انجام می‌دهد.

امیدواریم که ما هم بتوانیم که در این عصر و در این جامعه که زندگی می‌کنیم در انجام تکالیفمان قصور نکنیم و سر از پا نشناسیم و با اطاعت از ولی خودمان در میدان‌های زمان خودمان موفق و سربلند باشیم. در آخر یادی می‌کنم از همه شهدا به‌ویژه روحانی شهید و عزیزمان مدیر مدرسه علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup>، که مؤسس این مدرسه هم بودند. برای شادی روح همه آنها صلوات بفرستید. امیدواریم که خداوند این توفیق را به ما عطا کند که هیچ‌گاه شرمنده این شهید عزیز و بزرگوار و دیگر شهدا نباشیم. والسلام علیکم ورحمت‌الله و برکاته.»

### ارزیابی روایت

سنجش، نقد و بررسی روایت‌های دفاع مقدس از زبان این عزیزان صرفاً با هدف پربارتر و مستندتر کردن روایت‌هاست و صد البته که جد و جهد بی‌دریغ این عزیزان گمنام بر هیچ ناظر منصفی پوشیده نیست. سرهنگ بهشتی تلاش کرده است ضمن بیان کلیاتی از جنگ در سال نخست آن و مراحل هجوم، مقاومت، بازپس‌گیری و تنبیه متجاوز، مقدمات و روند عملیات والفجر مقدماتی را در حد کلیات برای مخاطبان عام تشریح کند. او با زبانی گیرا و خودمانی اهمیت منطقه فکه را برای بومیان خوزستان تشریح





روایت حمزه بهشتی، یادمان شهدای عملیات والفجرمقدماتی (فکه)، اسفندماه ۱۳۹۵.

عبرت آموزی برقرار کند. پایان بخش روایت او نصایح مشفقانه و تذکر به جای ظرافت های دینی و اخلاقی با الگوگیری هنرمندانه از سیره شهداست. در مجموع، می توان گفت با در نظر گرفتن جامعه مخاطبان این روایت، با وجود برخی نقصان ها و با توجه به محدودیت زمانی، راوی محترم روایتی خوب و کم اشکالی داشته است و توجه به موارد زیر تأثیر به سزایی در تقویت و ارتقای متن روایت دارد.

الف) تقویت روایت از حیث محتوایی، ساختاری و پیوند منطقی بخش های مختلف.

ب) تبیین ضرورت اجرای عملیات والفجر مقدماتی.

ج) توجه به سیر اجرای طرح مانور و مشکلات آن و در نهایت دلایل شکست عملیات.

د) تمرکز نکردن بر یک گردان و تشریح کلیت عملیات و یگان های دخیل برای زائران.

و) بیان آمار صحیح، دقیق، مستند و باور پذیر.

و در ادامه تلاش ها و اقدامات چندلایه عراق برای مقابله با رزمندگان ایرانی را در این منطقه واکاوی کرده است. در همین راستا، تصویری کلی از موانع مصنوعی و موانع طبیعی سرزمین فکه ارائه شده و با این مقدمات، سیر اجرای عملیات والفجر مقدماتی و مشکلات و سختی های آن به خوبی توصیف شده است. راوی با وجود ناکامی رزمندگان ایرانی در این عملیات، رشادت های دو گردان کمیل و حنظله در محورهای فکه را دستمایه توصیف حال و هوای نیروهای ایرانی در این عملیات قرار داده است و با وجود شکست نیروهای خودی، تلاش کرده از مقاومت های آنها به ویژه دو گردان پیش گفته تصویری غرور بخش بیافریند. ایشان سپس تلاش کرده با محور قراردادن پیام اصلی شهدا که همانا حفظ استقلال وطن اسلامی و مقاومت در برابر استکبار است، میان این پیام و مسائل روز کشور پیوندی وثیق با هدف

